



بررسی نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان بر کیفیت یادگیری و موفقیت

تحصیلی دانش آموزان

سوسن امان آبادی، سودابه بیغم، زلیخا علی پور، محمدشیر محمدی

کارشناسی ارشد آسیب شناسی و حرکات اصلاحی

کارشناسی حسابداری

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی



MDOI-02-2026.0228
MNR-242-2-C3C4A7

چکیده

نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان از مهم ترین عوامل مؤثر بر کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و موفقیت تحصیلی دانش آموزان به شمار می آید. نگرش آموزشی معلم، مجموعه ای از باورها، ارزش ها و دیدگاه های او درباره ماهیت یادگیری، توانایی های دانش آموزان، نقش مدرسه، شیوه های تدریس و چگونگی تعامل با فراگیران است. هنگامی که معلم نگرشی مثبت، رشدگرا و یادگیرنده محور داشته باشد، دانش آموزان را افرادی توانمند، قابل پیشرفت و دارای ظرفیت های متنوع می داند و در نتیجه، زمینه مشارکت فعال، احساس امنیت، پرسشگری و یادگیری عمیق آنان را فراهم می کند. از سوی دیگر، انگیزش درونی معلمان، که از علاقه به حرفه، احساس معنا و رضایت از فرایند آموزش، تعهد حرفه ای و تمایل به رشد و اثرگذاری ناشی می شود، می تواند کیفیت عملکرد آموزشی و روابط انسانی آنان را ارتقا دهد. معلمانی که از انگیزش درونی بیشتری برخوردارند، معمولاً با انرژی، خلاقیت و پشتکار بیشتری به طراحی فعالیت های آموزشی، حل مسائل یادگیری و حمایت از تفاوت های فردی دانش آموزان می پردازند.

کلیدواژه ها : نگرش آموزشی، انگیزش درونی معلمان، کیفیت یادگیری، موفقیت تحصیلی، تعامل معلم و دانش آموز، یادگیری فعال.

آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، فرهنگی و تربیتی محسوب می‌شود؛ زیرا کیفیت عملکرد آن نه تنها بر سطح دانش و مهارت افراد، بلکه بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت، هویت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توانایی حل مسئله و آمادگی آنان برای مواجهه با مسائل فردی و جمعی اثر می‌گذارد. در میان عناصر گوناگون نظام آموزشی، معلم جایگاهی محوری دارد؛ زیرا او واسطه اصلی میان برنامه درسی، محیط یادگیری و دانش‌آموز است و کیفیت حضور حرفه‌ای او می‌تواند مسیر تجربه تحصیلی دانش‌آموزان را دگرگون سازد. معلم صرفاً انتقال‌دهنده محتوای کتاب درسی نیست، بلکه با نگرش، ارزش‌ها، شیوه ارتباط، انتظارات، بازخوردها و تصمیم‌های آموزشی خود، فضایی را شکل می‌دهد که در آن دانش‌آموزان یا به یادگیری علاقه‌مند و فعال می‌شوند یا نسبت به فرایند تحصیل احساس بی‌انگیزگی، اضطراب و ناتوانی پیدا می‌کنند. در دهه‌های اخیر، نگاه به موفقیت تحصیلی از چارچوب محدود نمره محور فاصله گرفته و به مفهومی چندبعدی تبدیل شده است. موفقیت تحصیلی تنها کسب نمرات بالا در آزمون‌ها نیست، بلکه شامل فهم عمیق مطالب، توانایی کاربرد دانش، شکل‌گیری مهارت‌های تفکر، استمرار در یادگیری، احساس شایستگی، مشارکت فعال در کلاس و برخورداری از نگرش مثبت نسبت به مدرسه نیز می‌شود. از این منظر، کیفیت یادگیری زمانی مطلوب تلقی می‌شود که دانش‌آموز بتواند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های تازه به کار ببرد، درباره مفاهیم پرسشگری کند، در جریان یادگیری مسئولیت بپذیرد و برای پیشرفت خود تلاش مستمر داشته باشد. تحقق چنین یادگیری‌ای نیازمند محیطی است که در آن دانش‌آموز احساس امنیت، احترام، حمایت و امکان رشد را تجربه کند؛ محیطی که ایجاد آن تا اندازه زیادی به نگرش و انگیزش معلم وابسته است. نگرش آموزشی معلمان مجموعه‌ای از باورها، تلقی‌ها، ارزش‌گذاری‌ها و پیش‌فرض‌های آنان درباره یادگیری، تدریس، دانش‌آموز، ارزشیابی، توانایی‌های فردی و نقش مدرسه را دربر می‌گیرد. معلمی که یادگیری را فرایندی فعال، تدریجی و وابسته به تفاوت‌های فردی می‌داند، در عمل نیز بیشتر به استفاده از روش‌های مشارکتی، گفت‌وگو محور، مسئله محور و دانش‌آموز محور گرایش خواهد داشت. چنین معلمی، دانش‌آموز را دریافت‌کننده منفعل اطلاعات تلقی نمی‌کند، بلکه او را فردی دارای توانایی، تجربه، نیاز، علاقه و ظرفیت رشد می‌داند. در مقابل، اگر نگرش معلم بر انتقال یک‌سویه محتوا، کنترل صرف رفتار و تأکید افراطی بر پاسخ درست و نمره استوار باشد، احتمال کاهش مشارکت دانش‌آموز، محدود شدن خلاقیت و تقویت اضطراب تحصیلی افزایش می‌یابد.



شعبانی (۱۳۹۸) در تبیین روش‌ها و فنون تدریس، بر این نکته تأکید دارد که انتخاب شیوه تدریس باید با اهداف آموزشی، ویژگی‌های فراگیران، محتوای درس و شرایط یادگیری هماهنگ باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که تدریس اثربخش صرفاً به تسلط علمی معلم محدود نمی‌شود، بلکه به توانایی او در شناخت دانش‌آموزان، انتخاب روش مناسب، ایجاد تعامل و تنظیم فرایند یادگیری وابسته است. بنابراین، نگرش آموزشی معلم می‌تواند در نحوه به کارگیری روش‌های تدریس و در نتیجه در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده داشته باشد. هر اندازه معلم به مشارکت، تفاوت‌های فردی، تفکر انتقادی و یادگیری معنادار باور بیشتری داشته باشد، احتمال استفاده او از راهبردهایی که یادگیری فعال را تقویت می‌کنند نیز بیشتر خواهد بود. یکی از متغیرهای اساسی در تبیین کیفیت عملکرد معلمان، انگیزش درونی آنان است. انگیزش درونی به نیرویی اشاره دارد که فرد را به انجام فعالیت به دلیل علاقه، لذت، احساس معنا، احساس شایستگی و رضایت ناشی از خود فعالیت سوق می‌دهد. در حرفه معلمی، انگیزش درونی می‌تواند در علاقه به آموزش، احساس اثربخشی در رشد دانش‌آموزان، اشتیاق برای یادگیری حرفه‌ای، تعهد نسبت به رسالت تربیتی و تمایل به بهبود مستمر عملکرد نمایان شود. معلمی که از انگیزش درونی برخوردار است، معمولاً تدریس را صرفاً انجام وظیفه اداری یا شغلی تلقی نمی‌کند، بلکه آن را فرصتی برای تأثیرگذاری مثبت بر زندگی و آینده دانش‌آموزان می‌داند. بشارت (۱۳۹۶) انگیزش و هیجان را از عوامل مهم جهت‌دهنده رفتار انسان معرفی می‌کند و بر نقش آن‌ها در پایداری، انتخاب و شدت عملکرد تأکید دارد. بر همین اساس، می‌توان گفت انگیزش درونی معلم بر میزان تلاش، خلاقیت، استمرار و کیفیت حضور او در کلاس اثرگذار است. معلمان دارای انگیزش درونی، در مواجهه با دشواری‌های آموزشی، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، کمبود امکانات و چالش‌های کلاس درس، انعطاف‌پذیری و پشتکار بیشتری نشان می‌دهند. آنان معمولاً برای توضیح بهتر مطالب، طراحی فعالیت‌های متنوع، استفاده از منابع مکمل، ارائه بازخورد سازنده و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان تلاش بیشتری می‌کنند. این رفتارها می‌تواند به بهبود ادراک دانش‌آموزان از فضای کلاس، افزایش احساس تعلق آنان به مدرسه و تقویت مشارکت تحصیلی منجر شود. در حقیقت، انگیزش معلم فقط یک ویژگی فردی نیست، بلکه عاملی است که در روابط آموزشی جریان می‌یابد و به نگرش و عملکرد دانش‌آموزان نیز انتقال پیدا می‌کند.

توکلی، رحمانی، توکلی و توکلی (۱۴۰۰) در پژوهش خود درباره نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بر اهمیت نقش‌های چندگانه معلم در ایجاد زمینه‌های انگیزشی تأکید کرده‌اند. این نقش‌ها می‌تواند شامل حمایت عاطفی، ایجاد احساس توانمندی، توجه به تفاوت‌های فردی، تشویق مناسب، برقراری ارتباط سازنده و فراهم کردن فرصت تجربه موفقیت باشد. چنین



مؤلفه‌هایی نشان می‌دهد که انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان صرفاً به ویژگی‌های درونی آنان وابسته نیست، بلکه تحت تأثیر کیفیت تعامل و رفتار معلمان نیز قرار دارد. هرگاه دانش‌آموز احساس کند که معلم او را می‌فهمد، به توانایی‌هایش باور دارد و مسیر پیشرفت را برایش دست‌یافتنی می‌سازد، احتمال بیشتری دارد که با علاقه، اعتماد و تلاش در فرایند یادگیری مشارکت کند. انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان یکی از متغیرهای مهم در پیش‌بینی کیفیت یادگیری و موفقیت تحصیلی است. دانش‌آموزی که برای یادگیری هدف، علاقه و احساس معنا دارد، با تمرکز و پایداری بیشتری فعالیت‌های درسی را دنبال می‌کند، در برابر شکست‌ها سریع‌تر تسلیم نمی‌شود و برای رفع ضعف‌های خود تلاش بیشتری به کار می‌گیرد. خدایاری‌فرد، شریفی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی انگیزش تحصیلی و پیامدهای آن، نقش این سازه را در کیفیت عملکرد و نتایج تحصیلی دانش‌آموزان برجسته ساخته‌اند. همچنین رحمانی و ساکی (۱۳۹۶) در بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بر وجود ارتباط میان انگیزش و عملکرد تحصیلی تأکید کرده‌اند. بنابراین، هر عاملی که بتواند انگیزش تحصیلی را تقویت کند، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم یا مستقیم بر موفقیت تحصیلی اثرگذار باشد. در این میان، نگرش معلم نسبت به توانایی‌های دانش‌آموزان اهمیت ویژه‌ای دارد. هنگامی که معلم باور داشته باشد همه دانش‌آموزان، با وجود تفاوت در سرعت، سبک و شرایط یادگیری، قابلیت پیشرفت دارند، انتظارات واقع‌بینانه و در عین حال رشددهنده‌ای از آنان خواهد داشت. این انتظارات مثبت می‌تواند بر رفتار دانش‌آموز، ادراک او از توانایی‌های خویش و میزان کوشش تحصیلی‌اش اثر بگذارد. در مقابل، پایین‌بودن انتظارات معلم یا نسبت دادن عملکرد ضعیف دانش‌آموز به ناتوانی ثابت و تغییرناپذیر، ممکن است احساس درماندگی و بی‌کفایتی را در او افزایش دهد. دمیری (۱۴۰۰) با تأکید بر نظریه انتساب، نشان می‌دهد که برداشت دانش‌آموز از علت موفقیت و شکست، در انگیزش و عملکرد آینده او نقشی اساسی دارد. در این زمینه، بازخوردها و تفسیرهای معلم می‌تواند نحوه انتساب دانش‌آموز را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. اگر معلم موفقیت را حاصل تلاش، راهبرد مناسب، تمرین و یادگیری تدریجی معرفی کند، دانش‌آموزان بیشتر باور می‌کنند که عملکرد تحصیلی آنان قابل تغییر و بهبود است. اما اگر شکست به ناتوانی ذاتی و تغییرناپذیر نسبت داده شود، احتمال شکل‌گیری اضطراب، اجتناب از تکلیف و کاهش انگیزش افزایش می‌یابد. از این‌رو، نگرش آموزشی معلم در نوع بازخوردی که ارائه می‌دهد، نحوه ارزشیابی دانش‌آموزان و شکل‌گیری ادراک آنان از موفقیت و شکست نقش مهمی ایفا می‌کند. این مسئله به‌ویژه در دوره‌های تحصیلی حساس، که دانش‌آموزان در حال ساختن هویت تحصیلی و باورهای خودکارآمدی خود هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

بیان مسئله

موفقیت تحصیلی دانش آموزان یکی از مهم ترین شاخص های کارآمدی نظام آموزشی است و همواره مورد توجه خانواده ها، معلمان، مدیران، سیاست گذاران و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار داشته است. با وجود این، موفقیت تحصیلی مفهومی ساده و تک عاملی نیست و نمی توان آن را تنها با نمره، رتبه یا نتایج آزمون های رسمی توضیح داد. موفقیت تحصیلی حاصل تعامل پیچیده عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه ای، اجتماعی و روان شناختی است. در میان عوامل مدرسه ای، معلم جایگاهی برجسته دارد؛ زیرا بیشترین ارتباط مستقیم و روزمره را با دانش آموز برقرار می کند و رفتار، نگرش و عملکرد او می تواند بر تجربه یادگیری دانش آموزان تأثیر عمیق بگذارد. با این حال، در بسیاری از موقعیت های آموزشی، توجه به نقش معلم عمدتاً به دانش تخصصی، سابقه خدمت یا مهارت انتقال محتوا محدود شده است و ابعاد نگرشی و انگیزشی او کمتر به صورت جدی بررسی می شود. نگرش آموزشی معلم می تواند تعیین کند که او دانش آموز را چگونه می بیند، یادگیری را چگونه تعریف می کند، شکست تحصیلی را به چه عواملی نسبت می دهد و برای اداره کلاس از چه روش هایی بهره می گیرد. معلمی که به رشد پذیری دانش آموزان باور دارد، احتمالاً تلاش می کند فرصت های متنوعی برای یادگیری فراهم آورد، خطاها را بخشی از فرایند رشد بداند و به جای برچسب زنی، بازخورد سازنده ارائه دهد. اما معلمی که توانایی های دانش آموزان را ثابت و غیرقابل تغییر تلقی می کند یا موفقیت را صرفاً حاصل استعداد ذاتی می داند، ممکن است ناخواسته فرصت رشد برخی دانش آموزان را محدود کند. این مسئله می تواند به ویژه برای دانش آموزانی که با ضعف های اولیه درسی، مشکلات خانوادگی، اضطراب، محرومیت اجتماعی یا تفاوت های یادگیری مواجه اند، پیامدهای منفی جدی داشته باشد. نحوه نگاه معلم به دانش آموزان بر سطح انتظارات او نیز اثر می گذارد. انتظارات معلم می تواند در کیفیت سؤال ها، میزان فرصت پاسخ گویی، شیوه بازخورد، نوع تشویق، واگذاری مسئولیت و حتی میزان صبر او در مواجهه با اشتباهات دانش آموزان منعکس شود. زمانی که دانش آموز احساس کند معلم به پیشرفت او باور ندارد، ممکن است به تدریج خود نیز توانایی هایش را کمتر از واقع ارزیابی کند. این وضعیت می تواند به کاهش خود کارآمدی، افت انگیزش، اجتناب از تکالیف دشوار و در نهایت کاهش عملکرد تحصیلی منجر شود. احمدی، حسینی و محمدی (۱۳۹۹) با اشاره به عوامل روان شناختی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، اهمیت سازه هایی چون انگیزش، نگرش و ادراک توانمندی را در تبیین عملکرد دانش آموزان آشکار می سازند.



در مقابل، نگرش آموزشی مثبت معلم می تواند زمینه ای برای شکل گیری کلاس درس به عنوان یک محیط یادگیری حمایتگر فراهم کند. در چنین کلاسی، دانش آموز فرصت دارد سؤال پرسد، دیدگاه خود را بیان کند، اشتباه کند، بازخورد بگیرد و دوباره تلاش نماید. معلمی که نگرش مثبت و دانش آموز محور دارد، معمولاً تفاوت های فردی را مانع آموزش نمی داند، بلکه آن ها را واقعیتی طبیعی در کلاس تلقی می کند و تلاش می نماید روش ها و فعالیت های خود را با نیازهای گوناگون دانش آموزان هماهنگ سازد. شعبانی (۱۳۹۸) نیز بر ضرورت تناسب روش های تدریس با ویژگی های فراگیران و اهداف یادگیری تأکید دارد. بنابراین، نگرش آموزشی معلم می تواند بر انتخاب و اجرای روش های تدریس اثر بگذارد و از این طریق کیفیت یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد. مسئله مهم دیگر، انگیزش درونی معلمان است. معلمی حرفه ای است که در کنار مهارت و دانش، به سطحی از علاقه، تعهد و احساس معنا در کار خود نیاز دارد. انگیزش درونی معلم می تواند او را به تلاش برای بهبود روش های تدریس، مطالعه مستمر، استفاده از راهبردهای نوین، شناخت بهتر دانش آموزان و پیگیری مسائل آنان سوق دهد. در مقابل، کاهش انگیزش درونی ممکن است به تدریس یکنواخت، کاهش خلاقیت، بی تفاوتی نسبت به تفاوت های فردی، استفاده افراطی از روش های کنترل گر و کاهش کیفیت تعامل آموزشی بینجامد. بشارت (۱۳۹۶) انگیزش را عاملی مهم در جهت دهی و تداوم رفتار می داند؛ بر این اساس، می توان انتظار داشت معلمانی که انگیزش درونی بیشتری دارند، در فرایند آموزش نیز انرژی، پشتکار و تعهد بیشتری نشان دهند. با وجود اهمیت انگیزش درونی معلمان، در برخی مدارس و محیط های آموزشی، فشار کاری، حجم زیاد برنامه درسی، محدودیت منابع، تراکم کلاس ها، انتظارات متعدد از معلم، کمبود فرصت های رشد حرفه ای و کاهش احساس حمایت سازمانی می تواند انگیزش آنان را تهدید کند. هنگامی که معلم احساس کند تلاش های او دیده نمی شود، استقلال حرفه ای محدودی دارد، امکانات لازم برای تدریس اثربخش فراهم نیست یا نقش او صرفاً به اجرای دستورات اداری تقلیل یافته است، ممکن است احساس فرسودگی و بی انگیزگی در او افزایش یابد. این وضعیت تنها یک مسئله شغلی برای معلم نیست، بلکه می تواند به طور مستقیم بر کیفیت آموزش و به طور غیرمستقیم بر انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر بگذارد. انگیزش درونی معلمان از راه های مختلفی بر دانش آموزان اثر می گذارد. نخست، معلم با انگیزه معمولاً علاقه و اشتیاق بیشتری به محتوای درسی نشان می دهد و این اشتیاق می تواند به دانش آموزان منتقل شود. دوم، چنین معلمی غالباً زمان و انرژی بیشتری برای آماده سازی تدریس، طراحی فعالیت های جذاب، استفاده از مثال های کاربردی و پاسخ گویی به پرسش ها اختصاص می دهد. سوم، معلم با انگیزه در برابر مشکلات یادگیری دانش آموزان مقاومت و صبوری بیشتری نشان می دهد و تلاش می کند راه های جایگزین برای



آموزش مطالب دشوار پیدا کند. چهارم، او می تواند با ایجاد فضای عاطفی مثبت، احساس تعلق دانش آموزان به کلاس و مدرسه را تقویت کند. مجموعه این عوامل، زمینه مناسبی برای افزایش کیفیت یادگیری و موفقیت تحصیلی فراهم می آورد.

توکلی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می دهد که معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقشی تعیین کننده دارد. این نقش تنها به تشویق کلامی یا دادن پاداش محدود نمی شود، بلکه شامل ایجاد فرصت موفقیت، ارائه بازخورد مؤثر، توجه به توانایی های فردی، ایجاد ارتباط عاطفی مناسب و طراحی تجربه های یادگیری معنادار است. بنابراین، معلم می تواند در تقویت انگیزش پیشرفت دانش آموزان نقش تسهیل گر داشته باشد. از آنجا که کیفیت این نقش تا حد زیادی به نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلم بستگی دارد، ضرورت بررسی هم زمان این دو متغیر بیشتر آشکار می شود. یکی از مشکلات رایج در برخی محیط های آموزشی، غلبه رویکرد نمره محور و حافظه محور بر فرایند یادگیری است. در این رویکرد، دانش آموز ممکن است برای کسب نمره، جلب رضایت والدین یا اجتناب از پیامدهای منفی درس بخواند، نه برای فهم، کشف و رشد توانایی های خود. رهنورد (۱۳۹۴) با تمایز میان انگیزش درونی و بیرونی، نشان می دهد که انگیزش درونی می تواند به یادگیری پایدارتر و انتقال بهتر دانش کمک کند. اگر معلم خود به ارزش یادگیری معنادار باور داشته باشد و انگیزش درونی بالایی برای تدریس داشته باشد، احتمال بیشتری دارد که در کلاس خود از روش هایی استفاده کند که دانش آموز را از حفظ کردن منفعلانه به سوی درک، تحلیل و کاربرد دانش هدایت می کند. کیفیت یادگیری دانش آموزان زمانی افزایش می یابد که آنان در فرایند آموزش نقش فعال داشته باشند. مشارکت در بحث ها، انجام فعالیت های گروهی، حل مسئله، ارائه نظر، انجام پروژه و ارزیابی عملکرد خود، از جمله راه هایی است که یادگیری فعال را تقویت می کند. با این حال، اجرای چنین روش هایی نیازمند معلمی است که به توانایی دانش آموزان اعتماد داشته باشد، از مشارکت آنان استقبال کند و برای مدیریت کلاس انعطاف و مهارت کافی داشته باشد. نگرش آموزشی معلم در این زمینه نقش کلیدی دارد. معلمی که کلاس را فضایی برای گفت و گو و ساخت مشترک دانش می داند، بیشتر از روش های فعال بهره می گیرد؛ اما معلمی که کنترل کامل کلاس و انتقال سریع محتوا را اولویت اصلی می داند، ممکن است فرصت مشارکت و یادگیری عمیق دانش آموزان را کاهش دهد.

ضرورت و اهمیت تحقیق



کاربرد یافته های نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان از مهم ترین عوامل مؤثر بر کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و موفقیت

تحصیلی دانش آموزان یادگیری از جهات زیر دارای اهمیت است :

۱. بررسی نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان از بُعد تربیتی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا معلم تنها انتقال دهنده اطلاعات و محتوای درسی نیست، بلکه یکی از مهم ترین عوامل شکل دهنده شخصیت، نگرش، هویت و شیوه یادگیری دانش آموزان است. باورها و نگرش های معلم درباره توانایی های دانش آموزان، مستقیماً بر نوع انتظارات او، نحوه بازخورد دادن، میزان حمایت عاطفی و فرصت هایی که برای مشارکت و ابراز نظر فراگیران فراهم می کند، تأثیر می گذارد. معلمی که به تفاوت های فردی احترام می گذارد و یادگیری را فرایندی پویا، مشارکتی و قابل توسعه می داند، به جای تمرکز صرف بر حفظ مطالب، دانش آموزان را به تفکر، کاوش، حل مسئله و مسئولیت پذیری هدایت می کند. چنین رویکردی با اهداف اساسی تربیت، یعنی پرورش انسان هایی مستقل، خلاق، اخلاق مدار و توانمند در تصمیم گیری، هماهنگ است.
۲. از منظر اجتماعی، مدرسه یکی از مهم ترین نهادهای شکل دهنده روابط اجتماعی، سرمایه فرهنگی و فرصت های برابر برای رشد افراد است. نگرش و انگیزش معلمان می تواند در ایجاد یا کاهش نابرابری های آموزشی نقش داشته باشد. معلمانی که نگرش مثبتی نسبت به تنوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و توانایی های فردی دانش آموزان دارند، فرصت بیشتری برای مشارکت همه فراگیران فراهم می کنند و از برچسب زنی، تبعیض دانش آموزان کم توان تر یا متعلق به گروه های محروم جلوگیری می نمایند. در مقابل، نگرش های منفی یا انتظارات پایین معلم ممکن است به کاهش اعتماد به نفس، انزوای اجتماعی و افت تحصیلی برخی دانش آموزان منجر شود و شکاف های آموزشی و اجتماعی موجود را تشدید کند.
۳. از بُعد روان شناختی، نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان با مجموعه ای از فرایندهای شناختی، هیجانی و انگیزشی دانش آموزان ارتباط دارد. رفتار، گفتار و واکنش های معلم می تواند بر احساس امنیت روانی، خود پنداره، خود کارآمدی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان تأثیر مستقیم بگذارد. هنگامی که دانش آموز احساس کند معلم به توانایی های او باور دارد، تلاش هایش را می بیند و فرصت جبران و پیشرفت را برای او فراهم می کند، احتمال بیشتری دارد که با اعتماد به نفس در فعالیت های آموزشی شرکت کند و در برابر دشواری های یادگیری پایداری نشان دهد. در مقابل، سرزنش مداوم، مقایسه



منفی و تأکید افراطی بر شکست می تواند اضطراب، ترس از ارزیابی، بی علاقه‌گی به درس و کناره‌گیری از فعالیت‌های کلاسی را افزایش دهد.

در مجموع، اهمیت بررسی نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان در این است که این دو متغیر، هم‌زمان بر کیفیت تعاملات تربیتی، عدالت و مشارکت اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اثر می‌گذارند. توجه به این عوامل می‌تواند نگاه نظام آموزشی را از تمرکز صرف بر برنامه درسی و ارزیابی نمره‌ای، به سوی تقویت کیفیت روابط انسانی، توانمندسازی معلمان و ایجاد محیط‌های یادگیری معنادار سوق دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از طریق مرور نظام‌مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده‌اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات تاثیر انگیزه مخصوصاً انگیزه درونی در موفقیت‌های دانش‌آموزی است.
- پایگاه‌های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه‌های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.
- کلیدواژه‌های جستجو: نگرش آموزشی، انگیزش درونی معلمان، کیفیت یادگیری، موفقیت تحصیلی، تعامل معلم و دانش‌آموز، یادگیری فعال.



- پس از غربالگری اولیه ۱۵ منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آن‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه‌بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه روان‌شناسی تربیتی و آموزش و پرورش نشان داده‌اند که کیفیت عملکرد معلمان، بیش از هر عامل دیگری، تحت تأثیر نگرش حرفه‌ای و میزان انگیزش درونی آنان قرار دارد. نگرش حرفه‌ای معلم، مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های او نسبت به شغل معلمی، نقش تربیتی خود و جایگاه آموزش در رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است. انگیزش درونی نیز به انجام فعالیت آموزشی از روی علاقه، رضایت شخصی و احساس معنا در کار اشاره دارد؛ عاملی که رفتارهای آموزشی معلم را از حالت وظیفه‌محور به کنش‌های تحولی و اثرگذار تبدیل می‌کند. سیف (۱۳۹۹) در آثار خود بر این نکته تأکید می‌کند که انگیزش درونی معلمان یکی از بنیادی‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس و پیامدهای تحصیلی دانش‌آموزان است. وی معتقد است معلمانی که از انگیزش درونی بالا برخوردارند، آموزش را صرفاً انتقال اطلاعات نمی‌دانند، بلکه آن را فرایندی پویا برای رشد شناختی و شخصیتی دانش‌آموزان تلقی می‌کنند. این معلمان معمولاً از روش‌های تدریس فعال، مسئله‌محور و مشارکتی استفاده می‌کنند و تلاش می‌نمایند یادگیری را برای دانش‌آموزان معنادار سازند.

یافته‌های سیف نشان می‌دهد که نگرش حرفه‌ای مثبت معلم، به افزایش تعامل کلاسی، ارائه بازخوردهای سازنده و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان منجر می‌شود. این عوامل به صورت غیرمستقیم باعث افزایش انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و در نهایت موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد. از دیدگاه وی، هرگونه تحول آموزشی بدون توجه به نگرش و انگیزش معلمان، سطحی و ناپایدار خواهد بود. شعبانی (۱۳۹۸) با رویکردی تربیتی-تحولی، نگرش حرفه‌ای معلمان را یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت اثربخش می‌داند. وی بیان می‌کند که معلمانی که شغل خود را یک «رسالت تربیتی» تلقی می‌کنند، بیش از سایر معلمان به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان توجه دارند. این معلمان، آموزش را محدود به موفقیت در آزمون‌ها نمی‌کنند، بلکه بر پرورش تفکر، مسئولیت‌پذیری و انگیزش پایدار دانش‌آموزان تمرکز دارند.



بر اساس یافته‌های شعبانی، نگرش حرفه‌ای مثبت معلم، زمینه‌ساز شکل‌گیری رابطه‌ای انسانی، حمایتی و احترام‌آمیز با دانش‌آموزان است. این رابطه مثبت، نقش مهمی در افزایش احساس تعلق به مدرسه و کاهش افت تحصیلی دارد. وی تأکید می‌کند که انگیزش درونی معلم، شرط لازم برای تحقق آموزش تحولی است؛ آموزشی که در آن، دانش‌آموز به یادگیرنده‌ای فعال و خودراهبر تبدیل می‌شود. افشار (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی رابطه میان انگیزش درونی معلمان و پیامدهای روان‌شناختی-تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که معلمانی که از انگیزش درونی بالاتری برخوردارند، سطح بالاتری از صبر، تعهد و انعطاف‌پذیری در فرایند تدریس از خود نشان می‌دهند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود فضای کلاس درس به محیطی امن و انگیزه‌بخش برای یادگیری تبدیل شود. افشار همچنین بیان می‌کند که انگیزش درونی معلمان، نقش واسطه‌ای مهمی بین نگرش حرفه‌ای و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. به بیان دیگر، نگرش حرفه‌ای مثبت زمانی به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود که با انگیزش درونی همراه باشد. در چنین شرایطی، دانش‌آموزان احساس ارزشمندی کرده، اضطراب تحصیلی آنان کاهش یافته و نگرش مثبتی نسبت به یادگیری پیدا می‌کنند. قورچیان (۱۳۷۹) از جمله پژوهشگرانی است که با نگاهی انتقادی به نظام آموزشی، ضعف نگرش حرفه‌ای و فرسودگی شغلی معلمان را یکی از علل اصلی افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌داند. وی معتقد است زمانی که معلم از نظر روانی و انگیزشی دچار فرسودگی می‌شود، کیفیت تعامل آموزشی کاهش یافته و کلاس درس به محیطی سرد و غیرانگیزشی تبدیل می‌گردد.

بر اساس دیدگاه قورچیان، نگرش حرفه‌ای معلم نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دارد. معلمی که به ارزش کار خود باور دارد، می‌تواند الهام‌بخش دانش‌آموزان باشد و آنان را به تلاش، پیشرفت و موفقیت تحصیلی ترغیب کند. وی نتیجه می‌گیرد که بدون بازسازی نگرش حرفه‌ای و تقویت انگیزش درونی معلمان، اصلاحات آموزشی به نتایج مطلوب نخواهد رسید. مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که میان نگرش حرفه‌ای و انگیزش درونی معلمان با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار و چندسطحی وجود دارد. اغلب پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که تحول در نظام آموزشی، از تحول در نگرش و انگیزش معلمان آغاز می‌شود. معلمانی که با نگرش حرفه‌ای مثبت و انگیزش درونی بالا فعالیت می‌کنند، نه تنها موجب بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شوند، بلکه زمینه‌ساز یادگیری پایدار، کاهش افت تحصیلی و رشد همه‌جانبه فراگیران خواهند بود.

یافته ها

انگیزش درونی معلم یکی از مهم ترین عوامل روان شناختی مؤثر بر کیفیت تدریس و موفقیت تحصیلی دانش آموزان است. معلمانی که از انگیزش درونی بالاتری برخوردارند، آموزش را فعالیتی معنادار و ارزشمند تلقی می کنند و با علاقه و تعهد بیشتری به تدریس می پردازند (سیف، ۱۳۹۹). این نوع انگیزش موجب افزایش خلاقیت آموزشی، استفاده از روش های فعال یاددهی-یادگیری و بهبود تعامل معلم-دانش آموز می شود (شعبانی، ۱۳۹۸). فضای کلاسی که توسط معلمان با انگیزه ایجاد می شود، از امنیت روانی و حمایت عاطفی بیشتری برخوردار است. چنین فضایی انگیزش تحصیلی، مشارکت فعال و خودتنظیمی یادگیری دانش آموزان را تقویت می کند (بشارت، ۱۳۹۶). پژوهش ها نشان می دهد که انگیزش درونی معلم به طور غیرمستقیم از طریق ارتقای کیفیت تدریس، بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اثرگذار است (خدایاری فرد و شریفی، ۱۳۹۵). دانش آموزان این معلمان نگرش مثبت تری نسبت به یادگیری دارند. در نتیجه، انگیزش درونی معلم نقش کلیدی در کاهش افت تحصیلی و افزایش موفقیت تحصیلی ایفا می کند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

انگیزش

انگیزش یکی از بنیادی ترین مفاهیم در روان شناسی تربیتی است که به عنوان نیروی محرک رفتار انسان شناخته می شود و جهت، شدت و تداوم فعالیت های فرد را تعیین می کند (سیف، ۱۳۹۹). در فرایند یاددهی-یادگیری، انگیزش عاملی اساسی است که موجب می شود یادگیرنده و آموزش دهنده به صورت فعال در فعالیت های آموزشی مشارکت کنند. بدون وجود انگیزش، حتی بهترین برنامه های درسی و پیشرفته ترین روش های آموزشی نیز نمی توانند به نتایج مطلوب منجر شوند (شعبانی، ۱۳۹۸). انگیزش مشخص می کند که فرد چرا فعالیتی را آغاز می کند، با چه میزان انرژی آن را ادامه می دهد و در برابر موانع تا چه حد پایداری نشان می دهد. در محیط آموزشی، انگیزش نه تنها بر یادگیری دانش آموزان اثرگذار است، بلکه نقش تعیین کننده ای در عملکرد حرفه ای معلمان نیز دارد. پژوهش ها نشان می دهند که معلمان با سطح انگیزش بالاتر، تعامل آموزشی مؤثرتری برقرار کرده و نسبت به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان حساسیت بیشتری نشان می دهند (احمدی، حسینی و محمدی، ۱۳۹۹). از دیدگاه روان شناختی، انگیزش پلی میان توانایی و عملکرد است؛ به این معنا که توانایی بدون انگیزش، به عملکرد مطلوب منجر نخواهد شد (خدایاری فرد و شریفی، ۱۳۹۵). بنابراین، انگیزش یکی از پیش شرط های اساسی کیفیت آموزش و تحقق اهداف نظام آموزشی به شمار می رود.



انگیزش یک سازه بنیادی روان‌شناختی است که رفتار انسان را آغاز، هدایت و تداوم می‌بخشد و تعیین می‌کند فرد چرا، چگونه و با چه میزان تلاش به انجام یک فعالیت می‌پردازد. انگیزش نیروی درونی یا بیرونی است که به رفتار جهت می‌دهد و سطح انرژی، پایداری و کیفیت عملکرد را مشخص می‌کند. در حوزه آموزش، انگیزش نقش واسطه‌ای میان توانایی، یادگیری و عملکرد ایفا می‌کند؛ به این معنا که حتی اگر فرد از توانایی شناختی بالایی برخوردار باشد، بدون انگیزش کافی، یادگیری عمیق و پایدار شکل نخواهد گرفت. انگیزش مشخص می‌کند که یادگیرنده تا چه اندازه درگیر فعالیت‌های آموزشی می‌شود، در برابر دشواری‌ها مقاومت نشان می‌دهد و یادگیری را ادامه می‌دهد. از منظر تربیتی، انگیزش صرفاً یک عامل فردی نیست، بلکه پدیده‌ای پویا و متأثر از تعامل فرد با محیط آموزشی، معلم، محتوا و فضای کلاس درس است. انگیزش می‌تواند کیفیت توجه، میزان تمرکز، عمق پردازش اطلاعات و سطح تلاش شناختی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، انگیزش یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های پیشرفت تحصیلی، رضایت از یادگیری و پایداری آموزشی محسوب می‌شود. در نهایت، می‌توان گفت انگیزش قلب فرایند یاددهی-یادگیری است و بدون آن، آموزش به فعالیتی سطحی، ناپایدار و کم‌اثر تبدیل می‌شود.

انگیزش درونی

انگیزش درونی به حالتی اطلاق می‌شود که فرد فعالیتی را به‌خاطر علاقه، لذت، رضایت شخصی و ارزش ذاتی آن انجام می‌دهد، نه به‌دلیل پاداش‌های بیرونی یا فشارهای خارجی (بشارت، ۱۳۹۶). در این نوع انگیزش، خود فعالیت برای فرد معنادار و جذاب است و انجام آن احساس شایستگی، رشد و خودکارآمدی را تقویت می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که انگیزش درونی نسبت به انگیزش بیرونی پایدارتر بوده و با خلاقیت، یادگیری عمیق و رضایت شغلی رابطه مثبت دارد (سیف، ۱۳۹۹). در حرفه معلمی، انگیزش درونی زمانی شکل می‌گیرد که معلم آموزش را بخشی از هویت حرفه‌ای خود بداند و از فرایند تدریس احساس معنا و رضایت کند. چنین معلمی حتی در شرایط دشوار، با علاقه و تعهد به فعالیت آموزشی ادامه می‌دهد (شعبانی، ۱۳۹۸). خدایاری‌فرد و شریفی (۱۳۹۵) تأکید می‌کنند که انگیزش درونی معلمان نقش مهمی در سلامت روان، کاهش فرسودگی شغلی و افزایش کیفیت عملکرد آموزشی دارد. از این‌رو، انگیزش درونی نه تنها یک متغیر فردی، بلکه یک سرمایه روان‌شناختی برای نظام آموزشی محسوب می‌شود.

انگیزش درونی معلم تأثیر عمیق و چندبعدی بر شیوه تدریس، کیفیت تعامل آموزشی و فضای کلاس درس دارد. معلمی که از انگیزش درونی برخوردار است، تدریس را صرفاً انجام یک وظیفه شغلی نمی‌داند، بلکه آن را فعالیتی معنادار، هدفمند و اثرگذار تلقی می‌کند.

چنین معلمی با اشتیاق تدریس می کند و این اشتیاق به طور طبیعی در رفتار، گفتار و روش های آموزشی او منعکس می شود. انگیزش درونی معلم موجب افزایش خلاقیت در تدریس، استفاده از روش های متنوع آموزشی و توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان می شود. این معلمان تمایل بیشتری به یادگیری مستمر، به روز کردن دانش حرفه ای و اصلاح شیوه های تدریس خود دارند. همچنین انگیزش درونی باعث می شود معلم در برابر چالش های آموزشی، صبورتر، انعطاف پذیرتر و مسئله محور عمل کند. در نتیجه، کلاس درس از حالت یکنواخت و انتقال محور خارج شده و به محیطی پویا، تعاملی و یادگیرنده محور تبدیل می شود. به طور کلی، انگیزش درونی معلم کیفیت تدریس را از سطح انجام وظیفه به سطح تعهد حرفه ای ارتقا می دهد.

تأثیر انگیزش درونی معلم در تدریس

انگیزش درونی معلم نقش بسیار مهمی در کیفیت تدریس و شیوه های آموزشی او ایفا می کند. معلمی که از انگیزش درونی بالایی برخوردار است، تدریس را صرفاً انجام یک وظیفه اداری نمی داند، بلکه آن را فرصتی برای اثرگذاری تربیتی و رشد دانش آموزان تلقی می کند (شعبانی، ۱۳۹۸). این نگرش موجب می شود معلم از روش های فعال، خلاقانه و دانش آموز محور استفاده کند و به تفاوت های فردی یادگیرندگان توجه بیشتری نشان دهد. پژوهش ها نشان می دهند که انگیزش درونی معلمان با افزایش آمادگی آموزشی، مدیریت بهتر کلاس درس و ایجاد تعامل مثبت با دانش آموزان همراه است (بشارت، ۱۳۹۶). چنین معلمی با اشتیاق تدریس می کند و این اشتیاق به طور مستقیم به دانش آموزان منتقل می شود. سیف (۱۳۹۹) معتقد است که انگیزش درونی معلم باعث می شود فرایند تدریس از حالت خشک و انتقال محور خارج شده و به تجربه ای پویا و معنادار تبدیل شود. در نتیجه، فضای کلاس به محیطی امن، حمایتگر و یادگیرنده محور بدل می شود که یادگیری عمیق را تسهیل می کند.

انگیزش درونی به حالتی اطلاق می شود که فرد فعالیتی را نه به خاطر پاداش بیرونی، اجبار یا فشار اجتماعی، بلکه به دلیل علاقه، لذت، معنا و ارزش ذاتی آن فعالیت انجام می دهد. در این نوع انگیزش، خود فعالیت منبع رضایت روانی است و فرد از انجام آن احساس شایستگی، رشد و تحقق خود می کند. انگیزش درونی ریشه در نیازهای بنیادین انسان مانند احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط معنادار با دیگران دارد. برخلاف انگیزش بیرونی که وابسته به عوامل ناپایدار مانند نمره، تشویق یا تنبیه است، انگیزش درونی پایدارتر بوده و با یادگیری عمیق، خلاقیت و خودتنظیمی ارتباط نزدیکی دارد. فردی که به طور درونی برانگیخته است، حتی در شرایط دشوار نیز به فعالیت ادامه می دهد، زیرا هدف او فراتر از نتایج فوری است. در آموزش، انگیزش درونی به یادگیرنده کمک می کند تا



یادگیری را به عنوان یک فرایند معنادار و رشددهنده تجربه کند. به همین دلیل، انگیزش درونی یکی از مطلوب ترین انواع انگیزش در نظام های آموزشی محسوب می شود و نقش کلیدی در کیفیت یادگیری و رشد پایدار فرد دارد.

تأثیر انگیزش درونی معلم بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان

انگیزش درونی معلم به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر می گذارد. معلمانی که از انگیزش درونی بالا برخوردارند، ارتباط عاطفی مثبت تری با دانش آموزان برقرار کرده و احساس تعلق و امنیت روانی را در کلاس افزایش می دهند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹). این عوامل نقش مهمی در افزایش انگیزش تحصیلی، مشارکت فعال و خودتنظیمی یادگیری دانش آموزان دارند. مطالعات نشان می دهد که دانش آموزانی که با معلمان با انگیزه و متعهد آموزش می بینند، نگرش مثبت تری نسبت به یادگیری داشته و پیشرفت تحصیلی پایدارتری را تجربه می کنند (سیف، ۱۳۹۹). خدایاری فرد و شریفی (۱۳۹۵) بیان می کنند که انگیزش درونی معلم از طریق بهبود کیفیت تدریس، افزایش بازخوردهای حمایتی و تقویت اعتماد به نفس دانش آموزان، عملکرد تحصیلی آنان را ارتقا می دهد. بنابراین، می توان گفت انگیزش درونی معلم یکی از عوامل کلیدی در کاهش افت تحصیلی و افزایش موفقیت تحصیلی دانش آموزان است (بشارت، ۱۳۹۶).

انگیزش درونی معلم به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر می گذارد. معلم با انگیزه، محیطی امن، حمایتگر و مثبت ایجاد می کند که در آن دانش آموزان احساس ارزشمندی، تعلق و اعتماد به نفس بیشتری دارند. این فضای روان شناختی مثبت، پیش شرط مشارکت فعال، تلاش تحصیلی و یادگیری عمیق است. دانش آموزانی که با معلمان دارای انگیزش درونی بالا آموزش می بینند، نگرش مثبت تری نسبت به مدرسه و یادگیری پیدا می کنند و انگیزش تحصیلی آن ها تقویت می شود. این دانش آموزان تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت های کلاسی، انجام تکالیف و پیگیری یادگیری دارند. از سوی دیگر، انگیزش درونی معلم از طریق بهبود کیفیت تدریس، افزایش بازخوردهای حمایتی و تقویت رابطه معلم- دانش آموز، یادگیری پایدار و معنادار را تسهیل می کند. در نهایت، این فرایند به بهبود نمرات، کاهش افت تحصیلی و ارتقای عملکرد تحصیلی دانش آموزان منجر می شود. بنابراین، انگیزش درونی معلم را می توان یکی از عوامل کلیدی موفقیت تحصیلی و کیفیت آموزش دانست.

نتیجه گیری

بررسی نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان در ارتباط با کیفیت یادگیری و موفقیت تحصیلی دانش آموزان، نشان می دهد که فرایند آموزش را نمی توان صرفاً به انتقال دانش و اجرای برنامه درسی تقلیل داد. یادگیری واقعی در بستری از تعاملات انسانی، باورهای حرفه ای، هیجان ها، انتظارات و فرصت های مشارکت شکل می گیرد. در این میان، معلم به عنوان مهم ترین عامل انسانی در محیط رسمی مدرسه، نقشی برجسته در ساختن یا تضعیف این بستر دارد. نگرش آموزشی معلم تعیین می کند که او دانش آموز، توانایی های او، خطاهایش و فرایند یادگیری را چگونه تفسیر کند؛ در حالی که انگیزش درونی معلم بر میزان اشتیاق، پشتکار، خلاقیت و تعهد او نسبت به تدریس اثر می گذارد. بر اساس مبانی نظری و یافته های مطرح شده در منابع مورد استفاده، می توان نتیجه گرفت که نگرش آموزشی مثبت و رشد گرا در معلمان، زمینه یادگیری فعال، مشارکتی و معنادار را تقویت می کند. معلمی که به قابلیت رشد همه دانش آموزان باور دارد، در مواجهه با تفاوت های فردی انعطاف بیشتری نشان می دهد، از برجسب زدن و قضاوت زودهنگام پرهیز می کند و تلاش می نماید مسیرهای متنوعی برای یادگیری فراهم آورد. چنین نگرشی به دانش آموزان کمک می کند تا توانایی های خود را قابل توسعه بدانند، از اشتباه کردن نترسند و با اعتماد بیشتری در فعالیتهای آموزشی شرکت کنند. در نتیجه، نگرش معلم می تواند بر ادراک دانش آموز از خود، میزان خود کارآمدی و سطح انگیزش تحصیلی او اثر بگذارد. انگیزش درونی معلم نیز یکی از عوامل کلیدی در افزایش کیفیت عملکرد آموزشی است. معلمانی که آموزش را فعالیتی معنادار، ارزشمند و اثرگذار می دانند، غالباً انرژی بیشتری برای برنامه ریزی، مطالعه، طراحی فعالیتهای آموزشی، پیگیری پیشرفت دانش آموزان و حل مسائل کلاس صرف می کنند. آنان در برخورد با دشواری ها، از جمله تفاوت سطح دانش آموزان یا ضعف برخی فراگیران در یادگیری، صبوری و پایداری بیشتری دارند. این ویژگی ها موجب می شود دانش آموزان معلم را فردی علاقه مند، قابل اعتماد و حمایتگر تلقی کنند و با احساس امنیت و تعلق بیشتری در کلاس حضور یابند. نتایج منابع پیشین نشان می دهد که انگیزش تحصیلی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی ارتباط نزدیکی دارد (رحمانی و ساکی، ۱۳۹۶؛ رضایی، کریمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ شریفی، احمدی و همکاران، ۱۳۹۹). با این حال، انگیزش تحصیلی دانش آموزان را نمی توان صرفاً یک ویژگی فردی دانست؛ زیرا فضای کلاس، روش تدریس، نوع بازخورد، سطح انتظارات و کیفیت ارتباط معلم با دانش آموز در شکل گیری یا تضعیف آن نقش دارند. از این رو، انگیزش درونی معلم می تواند از طریق ایجاد محیطی گرم، پرانرژی و



حمایتگر، به افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان منجر شود. این ارتباط نشان می‌دهد که توجه به انگیزش معلم در واقع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم بر انگیزش و پیشرفت دانش‌آموزان است.

یافته‌های مرتبط با نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی نیز این برداشت را تقویت می‌کند که معلم از طریق حمایت عاطفی، بازخورد مؤثر، ایجاد تجربه موفقیت و توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان، می‌تواند انگیزش آنان را افزایش دهد (توکلی و همکاران، ۱۴۰۰). در واقع، دانش‌آموزان زمانی بیشتر برای یادگیری تلاش می‌کنند که احساس کنند معلم توانایی‌های آنان را می‌بیند، تلاش‌هایشان را ارزشمند می‌داند و برای رشدشان فرصت فراهم می‌کند. بنابراین، کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموز باید به‌عنوان یکی از سازوکارهای اصلی اثرگذاری نگرش و انگیزش معلم بر موفقیت تحصیلی مورد توجه قرار گیرد. همچنین، اخلاق حرفه‌ای معلم نقش مهمی در ایجاد اعتماد و احساس عدالت در کلاس دارد. خاکپور و درویشی (۱۳۹۵) بر پیوند میان اخلاق حرفه‌ای معلمان و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. رعایت احترام، عدالت در ارزشیابی، پرهیز از تحقیر، توجه به کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری در برابر نیازهای یادگیری دانش‌آموزان، می‌تواند محیط کلاس را به فضایی امن و سازنده تبدیل کند. در چنین فضایی، دانش‌آموزان با اضطراب کمتر و احساس ارزشمندی بیشتر، در فعالیت‌های آموزشی مشارکت می‌کنند. بنابراین، نگرش آموزشی مثبت و انگیزش درونی معلم باید همراه با تعهد اخلاقی و مهارت ارتباطی مورد توجه قرار گیرد. از منظر روان‌شناختی، معلم در شکل‌گیری باورهای دانش‌آموزان درباره موفقیت و شکست مؤثر است. اگر معلم پیشرفت را نتیجه تلاش، راهبرد، تمرین و استمرار معرفی کند، دانش‌آموزان بیشتر به امکان تغییر و رشد باور پیدا می‌کنند. این نوع بازخورد می‌تواند خودکارآمدی، امید و تاب‌آوری تحصیلی آنان را تقویت کند. در مقابل، بازخوردهای تحقیرآمیز، مقایسه‌های منفی و نسبت دادن شکست به ناتوانی ذاتی، ممکن است احساس درماندگی و بی‌انگیزگی ایجاد کند. دمیری (۱۴۰۰) نیز با تأکید بر نظریه انتساب، اهمیت تفسیر فرد از علل موفقیت و شکست را در انگیزش تحصیلی برجسته می‌سازد. بر این اساس، معلمان باید در نوع بازخورد و زبان ارتباطی خود دقت بیشتری داشته باشند.

تاب‌آوری تحصیلی نیز از پیامدهای مهم محیط آموزشی حمایتگر است. قاسمی (۱۴۰۲) ارتباط میان انگیزش تحصیلی و تاب‌آوری دانش‌آموزان را مورد تأکید قرار می‌دهد. دانش‌آموزانی که در مدرسه با حمایت، احترام و باور به توانمندی خود مواجه می‌شوند، در برابر ناکامی‌ها مقاومت بیشتری نشان می‌دهند و از شکست‌های موقت برای اصلاح مسیر یادگیری استفاده می‌کنند. معلم با انگیزه و دارای نگرش رشدگرا، می‌تواند با ارائه بازخورد سازنده و ایجاد فرصت جبران، به شکل‌گیری چنین تاب‌آوری‌ای کمک کند. این امر



نشان می‌دهد که آثار نگرش و انگیزش معلم فقط به نمره و نتایج آزمون محدود نمی‌شود، بلکه بر آمادگی روانی و توانایی دانش‌آموز برای مواجهه با دشواری‌های زندگی نیز تأثیر دارد. با توجه به این مباحث، لازم است نظام آموزشی در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، علاوه بر دانش موضوعی و مهارت‌های فنی تدریس، به تقویت نگرش آموزشی، انگیزش درونی، اخلاق حرفه‌ای، مهارت ارتباطی و سلامت روان آنان نیز توجه کند. دوره‌های ضمن خدمت زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که صرفاً به انتقال دستورالعمل‌ها محدود نشوند و فضایی برای تأمل معلمان درباره باورهای آموزشی، تجربه‌های کلاسی، دغدغه‌های حرفه‌ای و شیوه‌های ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان فراهم آورند. همچنین، مدیران مدارس باید با ایجاد جو سازمانی حمایتگر، مشارکت دادن معلمان در تصمیم‌گیری‌ها، قدردانی از تلاش‌های حرفه‌ای و فراهم کردن فرصت رشد، زمینه حفظ و تقویت انگیزش درونی آنان را مهیا سازند. در سطح سیاست‌گذاری، ضروری است معیارهای ارزیابی عملکرد معلمان نیز از تمرکز صرف بر نتایج کمی و نمرات دانش‌آموزان فراتر رود. کیفیت رابطه معلم و دانش‌آموز، استفاده از روش‌های فعال تدریس، توانایی ایجاد فضای امن روانی، رعایت عدالت آموزشی و تلاش برای رشد همه دانش‌آموزان باید در ارزیابی حرفه‌ای معلمان مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی می‌تواند به تغییر فرهنگ مدرسه از رقابت صرف نمره‌ای به فرهنگ یادگیری، رشد و مسئولیت‌پذیری کمک کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش آموزشی و انگیزش درونی معلمان دو مؤلفه جدا از یکدیگر نیستند، بلکه در تعامل با هم کیفیت حضور حرفه‌ای معلم را شکل می‌دهند. نگرش مثبت بدون انگیزش کافی ممکن است به عمل آموزشی پایدار تبدیل نشود و انگیزش بالا بدون نگرش تربیتی مناسب نیز ممکن است به انتخاب روش‌های اثربخش و عادلانه منجر نگردد. هنگامی که معلم هم به رشدپذیری دانش‌آموزان باور دارد و هم با علاقه، تعهد و احساس معنا تدریس می‌کند، زمینه‌ای مناسب برای یادگیری عمیق، انگیزش تحصیلی، تاب‌آوری و موفقیت دانش‌آموزان فراهم می‌شود. از این رو، پژوهش درباره این دو متغیر می‌تواند دانش لازم برای بهبود کیفیت آموزش، توانمندسازی معلمان و ارتقای فرصت‌های رشد تحصیلی و انسانی دانش‌آموزان را فراهم آورد.

منابع

۱. احمدی، م.، حسینی، س.، و محمدی، ف. (۱۳۹۹). عوامل روان‌شناختی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. تهران: انتشارات سمت.
۲. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹). بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مدیران آموزش و پرورش. شهریور. ۱۳۹۹.
۳. بهرامی اسعد، اکرم؛ رحیمی، حسن؛ و حسین‌پور، فاطمه. (۱۳۹۹). مجله توسعه حرفه‌ای معلم، پاییز ۱۳۹۹.
۴. بشارت، م. ع. (۱۳۹۶). روان‌شناسی انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات رشد.
۵. بلوچ، سلیم؛ و کیلی یکان، طیبه؛ حسنی، محمد؛ و قلعه‌ای، علیرضا. (۱۳۹۹). مجله توسعه حرفه‌ای معلم، زمستان ۱۳۹۹.
۶. توکلی، یاسین؛ رحمانی، هما؛ توکلی، روح‌الله؛ توکلی، عبدالله. (۱۴۰۰). طراحی و تبیین نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: یک پژوهش کیفی به روش روایت پژوهی. فصلنامه علمی مطالعات کارورزی در تربیت معلم، زمستان ۱۳۹۹.
۷. خاکپور، عباس؛ درویشی، حسین. (۱۳۹۵). نقش اخلاق حرفه‌ای معلمان در تقویت انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه علمی-پژوهشی تدریس پژوهی، زمستان ۱۳۹۵.
۸. خدایاری‌فرد، م.؛ شریفی، ن.؛ و همکاران. (۱۳۹۵). انگیزش تحصیلی و پیامدهای آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. دمیری، فاطمه. (۱۴۰۰). نقش انگیزه دانش‌آموزان در یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان با تأکید بر نظریه انتساب. همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی مثبت، اسفند ۱۴۰۰، بندرعباس.
۱۰. رهنورد، رامین. (۱۳۹۴). تأثیر انگیزه درونی و بیرونی بر انتقال دانش. دانشکده مدیریت دانشگاه هوایی شهید ستاری، زمستان ۱۳۹۴.
۱۱. رحمانی، علی؛ ساکی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط برخی عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، زمستان ۱۳۹۶.
۱۲. رضایی، ع.؛ کریمی، ح.؛ و همکاران. (۱۴۰۰). بررسی رابطه انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی.
۱۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۴. شعبانی، حسن. (۱۳۹۸). روش‌ها و فنون تدریس. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. شریفی، ن.؛ احمدی، م.؛ و همکاران. (۱۳۹۹). نقش انگیزه در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. مجله علوم تربیتی.
۱۶. شیروانی شیر، علی؛ نوروزی، رضا؛ و نعمت‌اللهی، سوسن. (۱۳۹۸). رابطه بین فراگیر و معلم با تأکید بر رویکردهای نوین آموزشی. فصلنامه آموزش پژوهی، پاییز ۱۳۹۸.
۱۷. قاسمی، م. (۱۴۰۲). انگیزش تحصیلی و تاب‌آوری دانش‌آموزان. تهران: انتشارات آوای نور.